

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ب. آرجون
فرستنده: عثمان حیدری
۱۰ اگست ۲۰۲۰

ترمپ از نژاد و چین برای انتخاب مجدد استفاده می‌کند



در حالی که فقط چند ماه به انتخابات ریاست جمهوری امریکا مانده است، دونالد ترمپ در نظرسنجی‌ها پائین است. اعتماد یا تأیید مردم به نحوه برخورد ترمپ به همه‌گیری در پائین‌ترین سطح قرار دارد. با بیش از ۱۵۰ هزار مرگ به علت گسترش همه‌گیری کووید-۱۹ که عمدتاً به دلیل نظام بهداشتی سودمحور برای خدمت به صنعت داروسازی طراحی شده است، باور مردم به دولت در پائین‌ترین سطح است.

این یادآور شوم این فاکت است که سرمایه‌داری فقط برای به راه انداختن جنگ‌ها خوب است اما زمانی که به حفاظت از مردم، بهداشت و بهروزی آن‌ها می‌رسد، عملکرد آن صرفاً رقت‌انگیز است.

امریکا طی چند ماه گذشته شاهد برخی از بدترین خشونت‌های نژادی و ددمنشی پولیس بوده است، که ماهیت رؤیای امریکائی را که به مثابه یک نوش‌دارو به جهان فروخته شده است، برملا می‌سازند. سیاهان طی یک صد سال خواستار احترام و برابری نژادی بوده اند و دموکراسی امریکائی صرفاً در حل مسایل آن‌ها شکست خورده است. به جای آن، از موضوع نژاد آشکارا برای ایجاد تفرقه‌های هویت-محور استفاده شده است، که فقط تعداد اندکی از میلیاردرها و میلیونرهای سفیدپوست از آن احساس امنیت بیشتری دارند.

طبق یک پژوهش از سوی «ابتکار پاسخگوئی عمومی- یک شرکت غیرانتفاعی و مؤسسه پژوهشی پاسخگوئی دولت- بنیادهای پولیس (گروههای صنعتی غیردولتی که پول در اختیار ادارات محلی پولیس در شهرهای گوناگون قرار می‌دهند) عمدتاً به وسیله شرکت‌های سوخت فسیلی مانند شورون، شل و ولز فارگو تأمین می‌شوند. طبق گزارش گاردین، «در مبارزه برای عدالت نژادی و محیط زیستی، صنعت سوخت فسیلی دشمن اصلی است. بسیاری از شرکت‌های قدرتمندی که مسبب بی‌عدالتی محیط زیستی می‌باشند، در عین حال حامیان همان ادارات پولیسی هستند که بر همان جوامعی که این شرکت‌ها آلوده می‌نمایند، ستم می‌کنند.»

عجیب این‌که، دموکراسی که قرار است ملت را متحد نماید به بزرگترین علت دوقطبی شدن اجتماعی مبدل شده است. دوقطبی نژادی در ایالات متحده به وسیله سازمان‌های برتری‌طلبی که به دونالد ترامپ نزدیک هستند، تشدید می‌شود. ایدئولوگ‌های راست افراطی معتقدند که دوقطبی شدن به محافظه‌کارتر شدن جمهوری‌خواهان سفیدپوست کمک خواهد کرد.

ترامپ مستأصل است که عامل خارجی را مسؤول شکست و سوءمدیریت معرفی کند. همان‌طور که حزب بهاراتیا جاناتا از کارت کوتاه آمدن در برابر مسلمانان برای متحد کردن کادرهای خود و مقصر معرفی کردن اپوزیسیون لیبرال خود استفاده می‌کند، تیم ترامپ نیز دموکرات‌ها و حتی جمهوری‌خواهان قدیمی را به کوتاه آمدن در برابر سیاهان متهم می‌کند.

عامل چین در انتخاب مجدد ترامپ

کارزار انتخاب مجدد ترامپ فقط با یک دشمن داخلی راضی نیست، بلکه به یک دشمن خارجی نیز که بتواند میهن‌دوستی تهی سفیدها را به هیجان آورد نیاز دارد. به این دلیل، چین هدف جدید است.

از چین باید دیو ساخته شود تا در ذهن رأی‌دهندگان آمریکائی که با یک بحران وجودی روبه‌رو هستند، یک احساس ترس آفریده شود، زیرا چین دیگر به طور مسالمت‌آمیز در حال ظهور نیست، بلکه با حدّت و شدّت گسترش می‌یابد.

در حالی‌که اداره پولیس ایالات متحده در جبهه نژادی مشغول است، وزارت دفاع ایالات متحده، پنتاگون و وزارت امور خارجه آن عمیقاً در ایجاد هیاهو درگیرند تا نشان دهند که حزب کمونیست چین یک نیروی شیطانی است. طبقه سرمایه‌دار آمریکائی حزب کمونیست چین را تا زمانی‌که سخت کار کرد تا موتور اقتصاد جهانی را در حرکت نگه دارد و برای آن‌ها پول بسازد، تحمل کرد. موضوع از زمانی تغییر کرد که چین با کاهش سرمایه‌گذاری خود در اوراق قرضه و اوراق بهادار ایالات متحده نشان دادن تردید خود را برای تأمین ریخت‌وپاش نخبگان بانکداری آن‌گلو-ساکسون آغاز کرد. از زمانی که حزب کمونیست چین شروع به ابراز آمال خود برای بهتر و خلاق‌تر کردن چین نمود، خواب از چشم نخبگان آمریکائی پریده است.

نتیجتاً، دهه دوم قرن بیست‌ویکم شاهد یک شکاف زننده در روابط چین – ایالات متحده است. تیم ترامپ پیوسته علیه چین به هیاهوی دیپلماتیک و تحریم متوسل می‌شود و اقدامات متقابل چین همه به ایجاد یک جو درگیری طولانی کمک می‌کنند.

فریاد قطع رابطه با چین و متلاشی کردن دولت آن به وسیله سمی‌ترین عناصر محافظه‌کار در درون و در بیرون عمق دولت آمریکا، که معتقدند منزوی کردن چین تنها ستراتیژی بلندمدت برای مقابله با حزب کمونیست چین است، هدایت می‌شود. به گفته مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا: «حراست از آزادی ما در برابر حزب کمونیست چین مأموریت زمان ما است... اگر ما اکنون عمل نکنیم، نهایتاً، حزب کمونیست چین آزادی‌های ما را از بین خواهد برد و نظام قانون-محوری را که جوامع آزاد ساخته اند، تخریب خواهد کرد.»

پومپئو معتقد است که ایالات متحده می‌تواند و باید با تغییر ماهیت و رفتار رژیم حاکم بر چین مسیر قرن بیست و یکم را تغییر دهد. این تنها از تغییر دیپلماسی زورگویانه، تهدید به جنگ و حتا سلاح‌های اتمی می‌تواند برتری امریکا حفظ شود.

دولت ترمپ در تلافی با قانون جدید امنیت ملی که به بیجینگ کمک می‌کند ادغام بیشتر هانگ کانگ را در سرزمین اصلی تسهیل نماید، صدور تجهیزات دفاعی و برخی اقلام فن‌آوری بالا را به بیجینگ و هانگ کانگ ممنوع کرده است. دولت ترمپ به مثابه بخشی از دیپلماسی کشتی توپدار برای تهدید کردن چین و دشواری های ادعاهائی آن بر منطقه، سه گروه ناو هواپیمابر به بحیره جنوب چین فرستاده است.

الگوی چینی حکمرانی هدف قرار می‌گیرد و از افکار عمومی در سراسر جهان می‌خواهند که از خود در مقابل الگوی خودکامه دیجیتالی خزنده حزب کمونیست چین که در بسته‌بندی کامپیوترها، تلفون‌های همراه ساخت چین و زیرساخت‌های پیشرفته‌تر نسل ۵ (G5) هوآوی صادر می‌شوند، مراقبت کنند. یک گزارش به نام «برادر بزرگ جدید، چین و خودکامگی دیجیتال» که به وسیله باب منندز، سناتور دمکرات عضو کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده تهیه شد، نمونه‌ای از نارضایتی امریکا از جهش بزرگی است که چین با توسعه فن‌آوری نسل ۵ از طریق تلاش‌های هماهنگ در پژوهش و توسعه برداشته است. امریکا مطمئناً نسبت به چین حسادت دارد، زیرا تاکنون از ارایه فن‌آوری نسل ۵ بسیار عقب است و برای رسیدن به آن بسیار تلاش می‌کند. امریکا غول‌های خبراتی و نرم‌افزاری جهان را برای یافتن یک رامحل گرد می‌آورد، اما تاکنون، چین همچنان بر نسل ۵ حاکم است.

اتهامی که منندز می‌زند این است که چین «در صدد است از فن‌آوری‌های جدید و در حال ظهور برای ترویج اقتدار دیجیتالی از راه‌های متعدد و با استفاده از کل جعبه ابزار سیاسی خود- از جمله سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، و اقدامات زورگویانه، برای شکل دادن به حوزه دیجیتال طبق تصویر مورد نظر خود بهره‌برداری کند.»

پرسشی که هر ذهن منطقی باید بپرسد این است که آیا این فقط حق جهان انگلو-ساکسون است که در مسابقه فن‌آوری پیش‌تاز باشد و قوانین فضای سایبری را بنویسد؟

این فکر که جهان غیرسفید بر امور جهانی مسلط باشد و مسیر جریان ایده‌ها و فن‌آوری‌های آینده را در جهت مقابل- شرق به غرب- تغییر دهد، اولیگارشی‌های امریکائی را که به حکومت بر جهان و تغییر رژیم‌ها به دلخواه خود عادت کرده اند، آزار می‌دهد. برخورد ایالات متحده نسبت به آمل چین یادآور این ضرب‌المثل قدیمی است: «یادت باشد، آن‌ها می‌خواهند ترا خوب، اما نه هرگز بهتر، ببینند.»

منبع: دمکراسی مردم، نشریه حزب کمونیست هند (مارکسیست)

تارنگاشت عدالت